



۲۰۲۰/۰۸/۱۳



دوکتور محمد عثمان تره کی

## آیا طالب افزار عمق ستراتیژیک پاکستان است ؟



در روشنایی واقعیت های چار دهه جنگ در افغانستان و انکشافات اخیر اوضاع برای درک سالم آنچه خطر اعمال نفوذ پاکستان در انکشاف سیاسی آینده افغانستان نامیده شده است باید به چند فکتور ثابت توجه کرد :

۱- ائتلاف نظامی بین المللی به قیادت امریکا برای دادن شکل و شمایل به «بازی بزرگ» قرن ۱۹ به افغانستان حمله کرد. انگیزه این تهاجم را خلالی قدرت دولتی در افغانستان و بی سرپرست ماندن کشورهای بازمانده از سقوط امپراتوری شوروی، آماده ساخت.

۲- انفجار نوپارک و هیجان ناشی از آن در سطح بین المللی به توجه ائتلاف نظامی بین المللی به سوی پاکستان ارجحیت میداد. افغانستان موره حساس در «بازی بزرگ» به درجه اول می باید به مثابه تخته خیز مهاجمین در افغانستان به سوی پاکستان دارای «بم ذروی اسلامی» و منبع صدور جهاد (با تاپه تروریست از جانب غربیان)، مورد استفاده قرار میگرفت. رسیدگی بعدی به حساب آسیای مرکزی در فقره دوم اجندا جای گرفت.

۳- پاکستان در آغاز، راه همکاری را با امریکا و متحدین در دفع آنچه تروریزم خوانده شده بود، در پیش گرفت. بعداً با احساس خطر دوام حضور امریکا در افغانستان برای امنیت پاکستان در دو استقامت دست به اقدامات لازم زد :  
- استفاده از احساسات بیگانه ستیزی افغان ها در پیشبرد جنگ نیابتی بر ضد مهاجمین در افغانستان و به موازات آن کشیدن پخپل سر سیم خاردار در امتداد خط دیورند.

- اقدام به راکت پرانی در مناطق همجوار خط و ایجاد پست های نظارت در قلمرو افغانستان.  
ائتلاف نظامی به رهبری امریکا در طول بیست سال به عنوان نظاره گر بی مسئولیت و پاسیف در برابر تعرضات، پاکستان موقف دفاعی اختیار کرد. با امتناع از اعطای امکانات دفاعی به اداره کابل، موجب تشویق تجاوزات پاکستان شد. عامل بی اعتنائی در برابر تجاوزات پاکستان این بود که مهاجمین خارجی کنترل بر افغانستان را به کمک پاکستان مقدم به رسیدگی به حساب پاکستان در اجندا داشتند.

۳- منازعه هندوستان و پاکستان بالای کشمیر عمیقاً در بحران افغانستان گره خورده است.

این واقعیت است که پاکستان در طول ۲۰ سال از مقاومت طالب به مثابه «سپر بلا» سود برده است. رخ دیگر واقعیت این است که طالبان قسماً با استفاده از کمک های لوژیستیک پاکستان توانستند، امریکا را ظاهراً به قبول خروج قوای چارده ماه آینده ناگزیر بسازند.

۴ - از قراین معلوم میشود که پاکستان علی الرغم تظاهرات خوشبینانه دیپلماتیک، از امضای موافقتنامه میان امریکا و طالبان ناراض است. عدم رضایت پاکستان را انفجارات و برخوردهائی بیان می کنند که پس از امضای موافقتنامه در شهرهای افغانستان، از جمله در زندان ننگرهار به وقوع پیوست و مسئولیت آنها را طالبان به دوش نگرفتند. پاکستان از توافق میان امریکا و طالبان نگران است. این کشور درین تازگی ها برای دوام اعمال نفوذ از راه جنگ استخباراتی در افغانستان علاوه بر داعش و گروه های مذهبی به تولید یک مخلوق دیگر به نام «دختک طالبان» اقدام کرده است.

۵ - امضای موافقتنامه با امریکا بزرگ ترین گام در جهت خود مختاری طالبان به حساب می رود. موافقتنامه وثیقه آغاز حرکت طالبان به سوی صلح و امنیت نسبی از راه شکل دادن یک نظام همه شمول و متمرکز در مذاکرات آینده با مخالفین است. وزن مخالفین طالب و اداره کابل در پروسه مذاکرات، وابستگی احتمالی طالبان را به بیرون تعدیل می کند و ضمانت لازم برای زمینه سازی یک مرحله انتقالی به سوی ثبات عاری از نفوذ احتمالی پاکستان به دست میدهد. بالابینی حلقات خارجی از پروسه مذاکرات، عامل مزید به کاهش و نهایتاً حذف کنترل پاکستان بالای طالبان خواهد بود.

استقلال حکومت آینده در برابر نفوذ خارجی بسته به چگونگی ترکیب اردو و حکومت است : طالبان بارها گفته اند که در چرت انحصار قدرت نیستند. این بدان معنی است که در نظام سیاسی آینده تکنوکرات ها و اهل مسلک جایگاه مطمئن دارند. به این ترتیب نفوذ ملی گرایان اهل مسلک و جا به جایی ملیشای طالب در کدر اردو با حفظ چوکات عمومی آن ضمانت قوی دیگری برای دفع نفوذ کشورهای همسایه بالای حاکمیت آینده به دست میدهد.

پاکستان در ۲۰ سال اخیر از بی تفاوتی تشویق آمیز قوای اشغالگر و عجز و بیچارگی حکومت های افغانستان در دفاع از قلمرو ملی برای تاخت و تاز به سوی افغانستان حد اعظمی سوء استفاده را نموده است : تصرف یک جانبه و زورگویانه بر خط دیورند، راکت پرانی های دوامدار به سوی افغانستان و ایجاد پست های کنترل در قلمرو افغانستان، مفاد اقتضایی را نصیب پاکستان گردانیده، اما در طویل المدت به تحریک احساسات ملی افغان ها کمک کرده است. در سالیان اخیر در بین خواص و عوام مخالفت و دشمنی با پاکستان آنقدر عمیق شده است که مردم در عقب هر مصیبتی هیولای استخبارات پاکستان را دخیل میدانند. تحت چنین شرایطی هیچگونه خطری از ناحیه ورود طالبان در تعامل حکومتداری متوجه مردمی که در اندوه اراضی از دست رفته آن سوی دیورند چشم امید حتی به متجاوزین خارجی چهل سال اخیر دوخته است، مطرح نیست.

۶ - خروج قوای امریکا از افغانستان موضوع داغ مشاجره میان جمهوریخواهان و دیموکرات ها در کامپاین انتخاباتی آینده امریکا خواهد بود.

دیموکرات ها و جمهوریخواهان هر دو مخالف خروج کامل قوای امریکا از افغانستان اند. اندکی پس از امضای موافقتنامه میان طالبان و امریکا دیموکرات ها یک طرح تعدیل در مصرف بودجه سال مالی ۲۰۲۱ م را به کمیته

خدمات اردوی امریکا (کانگرس) پیشنهاد کردند. طرح وزارت دفاع را از خروج کامل قوا منع می کند. برای تصویب طرح قبلاً مقدمه چینی شده بود :

نویارک تایمز در ۲۶ جون یک خبر غیر مستند را به نقل قول از استخبارات امریکا به نشر رساند که طبق آن یک واحد نظامی استخبارات روسیه متهم به پرداخت جائزه به ملیشیای طالب در ازای کشتن سربازان ناتو و بخصوص امریکا شده بود. یک هفته پس از نشر این خبر کانگرس طرح تنقیص در مصارف خروج سربازان امریکا از افغانستان را تصویب کرد.

طرح از جانب جانسن کروو (دیموکرات) و لیزشنی (جمهوریخواه، دختر دیک شنی معاون ج. بوش در ۲۰۰۱-۲۰۰۹ و مهندس تجاوز و اشغال افغانستان) ارائه شد. مسوده در ۲ جولای با اکثریت قوی هر دو حزب به تصویب رسید. مصوبه محتوی ایجاد تنقیص در مصرف بودجه نظامی (از جمع ۵,۷۴۰ میلیارد دالر) به قصد خروج قوای امریکا از افغانستان است. مصوبه وزارت دفاع را از کاستن شمار سربازان امریکا از حد ۸۰۰۰ نفر منع می نماید. مصوبه موافقتنامه امریکا با طالبان را غیر واقعینانه و در تقابل با امنیت ملی امریکا قیاس می کند. مصوبه تصریح می کند که کاهش سربازان امریکا باید مأموریت جنگ بر ضد تروریسم را اخلاص نکند. نتیجه :

افغانستان در قلب بازی بزرگ ستراتیژیک و ژئوپولیتیک در قرن ۲۱ قرار گرفته است. تقابل منافع قدرت های مداخله گر، افغانستان را به مرکز جنگ خونریز استخباراتی در منطقه تبدیل کرده است. طالبان تولید ستراتیژیک جنگ ویرانگر چار دهه است. از جمع ممالک مداخله گر هر کشوری که بالای این نیروی بزرگ جنگ ملیشیایی کنترل قائم کند، میتواند معادله قوا را در افغانستان به سود خود چرخ بدهد. موافقتنامه صلح با امریکا، طالبان را درست از اختیار پاکستان بیرون میکند. پاکستان با نگرانی در تلاش دسترسی به افزار های بدیل برای اعمال نفوذ در افغانستان شده است. افغانستان به طالبان واقع بین، آزاد اندیش و آشتی پذیر با ارزش های دنیای متمدن برای ساختن نظامی که حرف خود را در بازی پیچیده شطرنج منطقه داشته باشد، ضرورت دارد. مخالفین مسلح نقش خود را در جنگ خوب ادا کردند. دریافت کمک از کشورهای دور و نزدیک برای تحقق داعیه آزادی، امر معمول در جهان است و کسی به گناه آن مواخذه نمی شود. گناه حفظ وابستگی به ممالک حریص و مغرض در شرایط صلح است. پایان



برای مطالب بیشتر از این نویسنده، لطفاً اینجا را کلیک کنید!